

مهاجرین
افغانستانی بیش
از ۲۹۰۰ شهید را
در دفاع مقدس
تقدیم انقلاب
اسلامی کرده‌اند
و در جنگ سوریه
نیز حدوداً ۲۰۰۰
شهید دفاع از
حرم افغانستانی
داریم، اما وقتی
درباره مهاجرین
افغانستانی در
ایران صحبت
می‌کنیم، چقدر به
این مسأله توجه
کرده‌ایم؟

قبول باشد، ولی تحقیقاً قابل قبول نیست. اگر تحقیق بکارید، چیزی جز خشم و نفرت درو نمی‌کنید. کتاب وطندار که خاطرات نخبگان مهاجر از زندگی در ایران است و توسط مرحوم سرور رجایی جمع‌آوری شده است، در این زمینه خواندنی است.

• کمک ناخواسته ما به اشغالگری امریکا

شاید یکی از دلایلی که امریکایی‌ها پس از ورود به افغانستان توانستند با یک روند خوبی لااقل در حوزه نخبگان جلو بروند و خودشان را حفظ کنند، بعد از نقش طالبان، تجربه منفی مهاجرین در ایران بود. این هم از آن مسائلی است که ما باید ما به آن فکر کنیم. یعنی تجربه شکست خورده و تلخ زندگی مهاجران در ایران، حداقل یک طیفی از نخبگان شیعه افغانستانی را به این نتیجه رساند که بگویند: «حکومت اسلامی و اسلامگرایی راه حل ما نیست! اتفاقاً ما با یک دولت سکولار بهتر می‌توانیم تعامل و زندگی کنیم.» از طرفی تجربه طالبان هم بود که نتیجه اش واکنش‌هایی با آن موج‌های فمینیستی شد!

حقیقت تلخ این است که امریکا توانست از بین شیعیان افغانستانی نیرو جذب کند و تجربه زندگی مهاجران شیعه در ایران می‌تواند دلیلی بر این اتفاق باشد. بالاخره ما مقصد اول شیعیان افغانستانی و طبیعتاً یکی از گلایه‌های آنها نیز همین است که می‌گویند: «تاجیک‌ها برای مهاجرت می‌روند تاجیکستان، ترکمن‌ها به ترکمنستان، ازبک‌ها به ازبکستان و پشتون‌ها به پاکستان می‌روند؛ ما هزاره‌ها هم جایی جز ایران نداریم اما شما ما را پس می‌زنید!» در این سال‌ها اتفاقات ناگواری وجود داشته است که همه اینها در ساخت این تجربه تلخ نقش ایفا کرده‌اند.

• عدم بازنمایی خدمات مهاجرین

در شرایطی که در این چهل سال دو جنگ به جمهوری اسلامی تحمیل شده است و منافعی را تهدید کرده است، طبق یک آمار مهاجرین افغانستانی بیش از ۲۹۰۰ شهید را در دفاع مقدس تقدیم انقلاب اسلامی کرده‌اند و در جنگ سوریه نیز حدوداً ۲۰۰۰ شهید دفاع از حرم افغانستانی داریم، اما وقتی درباره مهاجرین افغانستانی در ایران صحبت می‌کنیم، چقدر به این مسأله توجه کرده‌ایم؟ و چقدر این خدمات بازنمایی شده است؟ از این تعداد شهید و این میزان رشادت، بالاخره چند کتاب خوب، مستند خوب و چند فیلم سینمایی که دیگری توانست تولید شود! در کنار اینها مهاجرین خدمات دیگری نیز برای جامعه ایران داشته‌اند که به هیچ‌وجه مطرح نشده است، مثلاً یک مهاجر در قم یک کارخانه تولیدی ایجاد کرده است و برای ایرانی‌ها اشتغال‌آفرینی کرده است، طوری که حدوداً هفتاد درصد کارکنان آنجا ایرانی‌اند.

مشکل اینجاست که -اگر از آن افول نگاه امتی که در این سال‌های پس از جنگ دچار شده‌ایم صرف نظر کنیم- دستگاهی که متولی این بازنمایی است کاملاً بلا تکلیف است، یعنی علاوه بر محدودیت‌ها و وجود نگاه‌های امنیتی در بازنمایی خدمات مهاجرین، مسأله مهم‌تر یک چالش تئوریک است: «آیا هویت افغانستانی می‌تواند در دل هویت ایرانی بازنمایی شود؟»

در نتیجه عملکرد ما این پیام را به مهاجرین مخابره می‌کند: «بروید! اما اگر چاره‌ای ندارید، خب بمانید. ما هم چاره‌ای نداریم جز اینکه شما را نگه داریم» این خلاصه سیاست‌های ما در دو جمله است.